

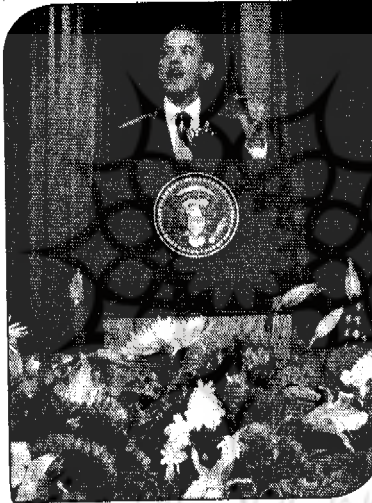
دکترین اوباما

منبع: ویکی‌پدیا (۵ فروردین ۱۳۸۹)
برگردان: فرزاد محمدزاده ابراهیمی

اوباما به هر حال در رأس ابرقدرتی چون آمریکا قرار دارد و این در حالی است که نیروهای مسلح امریکایی در شرق، غرب، جنوب و ناحی شمال ایران حضور دارند، بنابراین به نظر می‌رسد لازم باشد در جریان سیر تغییرات مواضع اوباما باشیم. در این راستا این برگردان تقدیم خوانندگان نشریه می‌شود.

وطی مبارزه انتخابات ریاست جمهوری با مک کین، اوباما عنوان کرد ایالات متحده بعضی مواقع و "در راستای تأمین بخشی از منافع خود" می‌تواند به مداخلات بشر دوستانه اقدام کند.

اوباما طی مبارزه انتخاباتی و در پاسخ به پرسشی در زمینه دکترین خود عنوان کرد که دکترین او "همانند دکترین بوش (بسر) نخواهد بود، چرا که جهان پیچیده است." او در ادامه می‌افزاید که ایالات متحده می‌تواند "امنیت خود را در راستای امنیت و سعادت مشترک با دیگر کشورها و ملت‌ها ارزیابی کند." بر همین اساس چنین توصیفی از دکترین او ارائه شد: "دکترینی که در وهله اول در صدد خاتمه دادن به سیاست ترس است و سپس فراتر از شعارهای تبلیغی و تو خالی پیشبرد دموکراسی به نام ارتقای جایگاه و منزلت (ایالات متحده) حرکت می‌کند" و به این ترتیب می‌توان شرایطی را که در آن امریکاستیزی گسترش یافته و از ترویج دموکراسی ممانعت به عمل آمده تحت تأثیر قرار داد. دین بارت (Dean Barnett) از نشریه ویکی استناد دارد ضمن انتقاد از این سیاست، آن را ساده لوحانه توصیف کرده است. بارت بر این باور است که تنها "جو ترس" نیست که در ورای افراط گرایی اسلامی قرار دارد، بلکه "چیزی فراتر از آن است." جورج دبلیو بوش رئیس جمهوری وقت ایالات متحده طی سخنرانی ماه می در کنست (پارلمان اسرائیل) به سیاست نویل چمبرلین (Neville Chamberlain) در برابر آلمان نازی اشاره کرد که این اقدام او انتقاد تلویحی از اوباما تعبیر شد. در همین راستا سناتور جو بایدن (Joe Biden) نامزد معاونت ریاست جمهوری و متحد انتخاباتی اوباما (معاون



بخش مهمی از سیاست خارجی دولت باراک اوباما، توجه ویژه به کشورهای اسلامی است. در ۴ ژوئن ۲۰۰۹، رئیس جمهور آمریکا سخنرانی مهمی با عنوان "آغازی نوین" در دانشگاه قاهره خطاب به مسلمانان ایراد کرد.

با اسوشیتد پرس در تاریخ ۲۱ ژوئیه اعلام کرد "ایالات متحده نمی‌تواند از نیروی نظامی خود برای حل مشکلات انسانی استفاده کند و جلوگیری از کشتار و نسل کشی بالقوه در عراق دلیل چندان مناسبی برای نگه داشتن نیروهای امریکایی در آنجا نیست." در مقابل، هیلاری بوک (Hillary Bok) ضمن تکذیب ارائه چنین تصویری از سیاست خارجی اوباما توسط کرچیک، آن را نوعی تحریف قلمداد کرد. در همین راستا بوک با یادآوری انتخاب سامانتا پاور (Samantha Power) فعال ضد نسل کشی از سوی اوباما به عنوان مشاور سیاسی خود، چندین گفت‌وگوی او را بر شمرده که در آنها از وضعیت دارفور و دیگر نقاط ابراز نگرانی کرده است. بعدها

دکترین اوباما (Obama Doctrine) اصطلاحی است که اغلب برای توصیف یک یا چند اصل اساسی و شکل دهنده سیاست خارجی دولت باراک اوباما به کار می‌رود. دکترین اوباما به طور رسمی اعلام نشده و خود او نیز تمایل چندانی برای پیگیری سیاست خارجی بیش از حد "اصولی و تابع دکترین خاص" ندارد. این روزنامه نگاران و مفسران سیاسی هستند که درباره اصول دکترین اوباما به گمانه زنی می‌پردازند. به طور کلی این گونه می‌توان گفت که بخش اصلی دکترین اوباما توجه به مذاکره و همکاری بیش از رویارویی و یکجانبه گرایی در امور بین المللی است. برخی با تمجید از دکترین اوباما آن را تغییری مطلوب نسبت به دکترین بوش تلقی می‌کنند که بیشتر بر مداخله گرایی استوار بود. برخی دیگر همچون جان بولتون (John Bolton) سفیر سابق ایالات متحده در سازمان ملل با انتقاد از دکترین اوباما آن را بسیار آرمانگرایانه و ساده لوحانه دانسته، یادآور می‌شوند که چنین دکترینی سازش و مماشات با دشمنان ایالات متحده را در پی دارد.

پیش از ریاست جمهوری

اصطلاح "دکترین اوباما" مدت ها پیش از ریاست جمهوری اوباما و طی انتخابات مقدماتی حزب دموکرات مورد استفاده قرار گرفت. جیمز کرچیک (James Kirchick) در مقاله‌ای در پروویدنس ژورنال (Providence Journal) به تاریخ ۲۸ اوت ۲۰۰۷، این اصطلاح را مورد استفاده قرار داد و عنوان کرد که دکترین اوباما این گونه خلاصه می‌شود: "ایالات متحده در برابر نسل کشی و کشتار جمعی بی تفاوت خواهد بود." این انتقاد زمانی مطرح شد که اوباما طی گفت‌وگویی

تیر و مرداد ۱۳۸۹

کتونی رئیس جمهوری امریکا) یاد آور شد که اقدام بوش در حمله به یک سناتور ایالات متحده "زیر سؤال بردن جایگاه ریاست جمهوری ایالات متحده بود."

در سال ۲۰۰۸، اصطلاح د کترین اواما توسط لین سویت (Lynn Sweet) از شیکاگو سان تایمز در تفسیری بر سخنان ۱۵ ژوئیه سناتور باراک اواما در مرکز وودرو ویلسون (Woodrow Wilson) مورد استفاده قرار گرفت. اواما پنج ستون سیاست خارجی خود را در صورت انتخاب این گونه توصیف کرده بود: "بر پنج هدف ضروری در جهت امن تر ساختن ایالات متحده تمرکز خواهم کرد: پایان دادن به جنگ عراق و مسئولیت ناشی از آن، پایان دادن به نبرد علیه القاعده و طالبان، محفوظ نگه داشتن مواد و سلاح های هسته ای از دسترس تروریست ها و دولت های یاغی، دستیابی به امنیت واقعی انرژی و بازسازی اتحاد های ما برای مقابله با چالش های قرن بیست و یکم."

سویت یاد آور شده که این اهداف تکرار مقاله "تجدید رهبری امریکا" است که اواما در تابستان ۲۰۰۷ برای مجله امور خارجی به رشته تحریر در آورده بود.

به عنوان رئیس جمهور

اندک زمانی پس از مراسم تحلیف باراک اواما به عنوان رئیس جمهوری امریکا در ۲۰ ژانویه ۲۰۰۹، مفسرین سیاسی به ارزیابی د کترین اواما در عمل پرداختند. بستن بازداشتگاه امریکا در خلیج گوآنتانامو، عدم پذیرش عبارت "جنگ علیه تروریسم" و نزدیکی به روسیه از طریق انصراف از برنامه موشکی ضد البستیک در لهستان و جمهوری چک، نشانه های روشنی از تغییر در اصول دولت بوش قلمداد می شدند. در اوایل ماه آوریل مارک امبندر (Marc Ambinder) پیش بینی کرد که رئیس جمهوری می تواند گام های عملگر ایانه تری را در وضعیت حقوقی بازداشت شدگان بردارد. دانیل درزنر (Daniel Drezner) استاد سیاست بین الملل نیز بر این باور است که د کترین اواما متاثر از فیلسوف فرانسوی مونتسکیو است، کسی که تفکرش در سخنان درزنر این گونه خلاصه می شود: "نبردهای بی فایده، تضعیف درگیری های ضروری است." در تفسیر درزنر، د کترین اواما اجتناب از سیاست خارجی بی ثمر و منفورانه به منظور تمرکز بیشتر روی مسائل ضروری و مهم است.

در ۱۶ آوریل ای. جی. دیون (Ej. Dionne) مطلبی را برای واشنگتن پست به رشته تحریر در آورده دیدگاه مثبتی را درباره د کترین اواما ارائه کرد. این مطلب در پی نجات موفقیت آمیز ناخدار یچار فیلپس (Richard Phillips) از چنگال دزدان دریایی سومالی نوشته شد. او د کترین اواما را این گونه تعریف می کند: "توخی واقعگرایی که از توسعه و به کارگیری قدرت امریکا هراسی به خود راه نمی دهد، اما این موضوع را هم مد

نظر دارد که استفاده از آن باید به وسیله حدود عملی و خود آگاهی متعادل شود." دیون همچنین به تأثیر رینهولد نیوهر (Reinhold Niebuhr) بر اواما اشاره کرده و هشدار های نیوهر را خاطر نشان می کند که "بزرگترین خطر ها برای دمو کراسی از تعصب و کوتاهی بینی ایده آلیست های اخلاقی ناشی می شود که از فساد موجود در خود خواهی و توجه بیش از حد به نفع شخصی آگاه نیستند" و دیگر این که "مانتی با درجه بسیار زیاد قدرت سیاسی بیشتر و سوسمی شود تا از حدود امکانات تاریخی خود تجاوز کند."

در همان ماه و طی کنفرانس سران قاره امریکا در ترینیداد و توباگو موضوع د کترین اواما مطرح و دوباره مورد سؤال قرار گرفت. اواما در

بسیار ساده لوحانه است و تصور نمی کنم که بتواند د کترینش را بسط دهد. "آندرس استفانسون (Anders Stephanson) استاد تاریخ دانشگاه کلمبیا از زاویه دیگری موضوع را مورد بحث قرار داده و بر این باور است که سیاست خارجی کاملاً عملگر ایانه و نبود آیدنولوژی تأثیر گذار می تواند در بازگشت امریکا به جایگاه ویژه و سابق خود مؤثر باشد.

موضوع د کترین اواما یک بار دیگر در مراسم اعطای جایزه صلح نوبل به باراک اواما رئیس جمهوری امریکا در دسامبر ۲۰۰۹، در اسلو مطرح و مورد سؤال قرار گرفت. این مراسم ترکیبی از تحسین و انتقاد را از طیف های سیاسی



سیاست خارجی بخش مهمی از مبارزه انتخاباتی باراک اواما را در بر می گرفت و در همین راستا سخنرانی مهمی را در کنار بنای ستون پیروزی برلین ایراد کرد.

مختلف در برداشت. اواما در سخنرانی خود فرصت را غنیمت شمرد و ضمن پاسخگویی به برخی از انتقادات، درباره استفاده از نیروی نظامی در روابط بین الملل نیز به بحث پرداخت. اواما معتقد است که در بعضی مواقع استفاده از نیروی نظامی لازم و ضروری است. جان دیکرسون (John Diceron) از اسلیت (نشریه آنلاین) مدعی است که رئیس جمهور یا سخنرانی خود منتقدان محافظه کارش را که به او بر حسب ضعف می زدند به نوعی ساکت کرد، در حالی که همچنان به استفاده از تعاملات دیپلماتیک تأکید می کرد. به طور کلی سخنرانی اواما بازتاب خوبی داشت و مورد تحسین شخصیت های محافظه کار سیاست امریکا همچون سارا پالین (Sarah Palin)، بیوت گینگریج (Bewt Gingrich) و جان بوهرنر (John Boehner) قرار گرفت.

منبع:

-Free encyclopedia, "Obama Doctrine". Wikipedia. Retrieved from, http://en.wikipedia.org/wiki/Obama_Doctrine. This page was last modified on ۲۵ March ۲۰۱۰ at ۲۱:۱۶.

پاسخ گفت که "ایالات متحده قدرتمندترین و ثروتمندترین کشور روی زمین باقی می ماند، اما ما تنها یک کشوریم و مشکلاتی که با آنها روبه رو هستیم اعم از کارتل های مواد مخدر، تغییرات آب و هوایی و تروریسم، نمی تواند تنها به وسیله یک کشور حل شود." او بعد ها رویکرد دیپلماتیک خارجی خود را بویژه در ارتباط با کشورهای اسلامی در سخنرانی مهم ماه ژوئن در دانشگاه قاهره با جزئیات بیشتری شرح و خواستار اصلاحات کشورهای غیر دموکراتیک از داخل شد. تلاش های اواما در راستای بهبود روابط خارجی تحسین سناتور سابق جمهوریخواه چاک هاگل (Chuck Hagel)، راهم برانگیخت. هرچند رچینالد دیل (Reginald Dale) کارشناس سیاست خارجی معتقد است که سیاست مصالحه رئیس جمهوری، ایالات متحده را نسبت به دیگر کشورها همچون روسیه، چین و کره شمالی در موضع ضعف قرار می دهد. برخی انتقادات از اواما نیز عمدتاً ناشی از نبود تعریفی مناسب در خصوص د کترینش است. چارلز کارتهامر (Charles Karuthammer) درباره اواما عنوان کرده که "به نظر من دیدگاه او نسبت به جهان